

ماهی نامه

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران پیام



متفکر، انقلابی و انسان بزرگ

(بمناسبت ۱۵۰ سالگی تولد فریدریش انگلس)

روز ۲۸ نوامبر ۱۹۷۰ بشریت مترقی صد و پنجاهمین سالگرد میلاد فریدریش انگلس نزدیکترین دوست و هم‌رزم کارل مارکس، اندیشه ور سترگ، انقلابی پرشور و انسان بزرگ را برپا داشته است. مارکس و انگلس دوناغه بزرگ تاریخ بشریتند که در عصر تحولات دورانساز انقلابی پدید شدند و در فعالیت عظیم و متنوع فکری و عملی آنها مهمترین مختصات طبقه در حال اعتلاء، یعنی طبقه کارگر منعکس است. انگلس همراه دوست کبیر خویش مارکس مبنای تئوریک سوسیالیسم و کمونیسم علمی را تنظیم کرد و مابند هم‌رزم نام آور خود از جاده یک زندگی بزرگ، بمثابة متفکر و انقلابی و مجاهد پرولتاری طراز نوین گذشت. میتوان با اطمینان گفت که در تئوری سوسیالیسم علمی که بنام دوستم روی دنباله در صفحه ۱

کمیته مرکزی حزب توده ایران بکمیته مرکزی سازمان حزب در آذربایجان

فرقه دموکرات آذربایجان

بمناسبت بیست و پنجمین سال جنبش دموکراتیک خلق آذربایجان

رفقای عزیز!

بمناسبت بیست و پنجمین سالگرد جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلق آذر - ایجان، جنبش ۲۱ آذر، گرمترین درود های رزمجویانه ما را بپذیرید. جنبش ۲۱ آذر در یک دوران حساس تاریخ کشور ما آغاز شد و نقش بزرگی در تحول اوضاع کشور ما ایفا کرد. آستانه این جنبش، در سال ۱۳۲۴ ارتش ایران و بر رأس آن حکومت صدر

چهل میلیارد ریال دیگر در چاه ویل تسلیحات

همزمان با پایان مذاکرات نفتی میان دولت ایران و کنسرسیوم و پیش از آنکه اعلامیه مربوط باین مذاکرات انتشار یابد ناگهان دولت ایران لایحه ای درباره تحصیل ۴۰ میلیارد ریال وام جدید برای خرید تسلیحات به مجلس برد و روز ۸ آذر ماه ۱۳۴۹ مجلس فوریت لایحه را بتصویب رساند و برای تصویب نهائی به سنا فرستاد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت پنجاهمین سالروز تأسیس حزب کمونیست فرانسه شادباش زیرین را ارسال داشته است

کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه!

رفقای عزیز! کمیته مرکزی حزب توده ایران پنجا - همین سالروز تأسیس حزب کمونیست فرانسه را از جانب خود و کلیه اعضای حزب ما بشما و توسط شما بتمام کمونیستهای فرانسه، به طبقه کارگر قهرمان فرانسه و بتمام زحمتکشان فرانسه صمیمانه و برادرانه شادباش میگوید.

کنفرانس جهانی استکهلم در باره هندوچین

روز سوم ماه اکتبر در آستانه ماه همستگی با مبارزان ضد امپریالیست شرکت کنندگان در کنفرانس جهانی استکهلم درباره ویت نام، لاوس و کامبوج متفقاً پیام زیرین را خطاب ب مردم جهان تصویب و صادر کردند. «چنگ تجاوزکارانه علیه مردم ویت نام با تجدید بمباران ویت نام شمالی بطور فوق العاده جدی توسعه یافته است. تجاوز علیه ساکنان ویت نام جنوبی، لاوس و کامبوج تشدید شده است. حکومت نیکسون به پیروزی نظامی بر ملل هندوچین، امید بسته است. هدف پیشنهادات (صاح) این حکومت فریب ملل و طولانی کردن جنگ است.»

مناسبات تازه با کنسرسیوم بین المللی نفت

سر انجام نتایج مذاکرات ایران و کنسرسیوم بین المللی نفت روز ۲۵ آبانماه اعلام گردید. چنانکه از اعلامیه پایان مذاکرات و تفسیر جراید در این باره برمیآید مذاکرات در سه زمینه اصلی، مالیات و قیمت و تولید صورت گرفته و به نتایج معینی نیز رسیده است. مالیات ایران از کنسرسیوم که تا کنون ۵۰ درصد بوده به ۵۵ درصد افزایش یافته. قیمت نفت سنگین ۹ سنت افزایش یافته که از آن ۴۹۵ سنت سهم ایران میشود. در سال آینده بطور متوسط ۱۲ درصد بر تولید نفت ایران افزوده خواهد شد.

اطلاعیه دبیر خانه کمیته مرکزی

روز ۲ دیماه رادیوی تهران متن اطلاعاتی را که سازمان امنیت صلاح دانسته است بوسیله سخنگوی خویش در دسترس مطبوعات قرار دهد منتشر نمود. ظاهراً هدف مصاحبه عبارت از افشاء اقدامات ماجرا جویانه و نقشه های نا بخردانه ایست که تیمور بختیار رئیس سابق سازمان امنیت طرح نموده و خواسته

با تمام نیرو و از مبارزه خلق های عرب علیه اسرائیل پشتیبانی کنید!

مناسبات تازه با کنسرسیوم بین المللی نفت

مناسبات تازه با کنسرسیوم

تا کنون کنسرسیوم حاضر نشده بود نه در زمینه مالیات و نه در زمینه قیمت نفت امتیازی به ایران بدهد. بهمین جهت دولت ایران فقط در زمینه افزایش تولید نفت پافشاری میکرد که آنهم بقبولاندن حداکثر تقاضای خود موفق نمیکردید. اینک برای نخستین بار در زمینه تعیین قیمت نفت و بویژه افزایش مالیات نفت بفتح ایران مناسبات تازه ای بین ایران و کنسرسیوم برقرار گردیده که در واقع تغییری را در قرار داد با کنسرسیوم ایجاد میکند و بهمین جهت قرار است از طرف دولت ماده واحده ای برای اصلاح قرار داد کنسرسیوم بمجلس تقدیم گردد. بدینسان میتوان گفت که کنسرسیوم پس از سالها بعقب نشینی مجبور شده است.

علت عقب نشینی چیست ؟

روشن است که نه کنسرسیوم بدون اجبار تن بعقب نشینی میدهد و نه دولت ایران بدون اجبار در برابر کنسرسیوم مقاومت میکند. این اجبارها برقرار زیر اند :

(۱) تغییر تناسب قوا بسود نیروهای دمو - کراسی و سوسیالیسم - که روز افزون است - دیگر به انحصارات نفتی امپریالیستی اجازه نمیدهد که خواستههای خود را «دیکت» کنند. برای هر دولتی در جهان - و از جمله دولت ایران - این امکان پیدا شده است که بکجانبه تسلیم این «دیکتات» نشوند. مقاومت و پافشاری انحصارات نفتی برای تأمین حداکثر

منافع خود این «خطر» را در بر دارد که پایه های تسلط آنها متزلزل گردد. بویژه آنکه در مسئله نفت تنها ایران مطرح نیست. در کشورهای نفت خیز خاور میانه جنبش های آزادیبخش ملی در حال اوج اند و در واقع انحصارات نفتی با چپه کم و بیش متحدی که شکل بروز آن را در فعالیت «اوپک» میتوان دید، روبرو هستند. برای آنکه منافع انسانی در معرض خطر قرار نگیرد باید عقب نشینی کرد.

(۲) بسط مناسبات بازرگانی و اقتصادی و فنی ایران با کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول با اتحاد شوروی در مقایسه با همین مناسبات با کشورهای امپریالیستی نمونه بی نظیری را از احترام به استقلال سیاسی و اقتصادی ایران و رعایت منافع واقعی مردم ایران نشان میدهد. این واقعیت را پیشنهاد های اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی برای خرید نفت و بهره برداری از منابع نفتی، تأیید میکند. نه در برابر افکار عمومی مردم ایران و نه در برابر افکار عمومی جهان نمیتوان سیاست امپریالیستی کنسرسیوم را توجیه کرد. تأثیر این عامل در تقویت مواضع دولت ایران در برابر کنسرسیوم و وادار کردن کنسرسیوم بعقب نشینی انکار ناپذیر است.

(۳) مردم ایران که هیچگاه کنسرسیوم

را برسمیت نشناخته اند، مبارزه خود را برای تأمین حق حاکمیت ایران در نفت، با در نظر داشتن تغییر تناسب قوا در صحنه جهانی بسود پیکار عادلانه خود و نمونه مناسبات ایران با کشورهای سوسیالیستی، ادامه میدهند. دولت ایران علیرغم محیط ترور و خفقانی که ایجاد کرده نمیتواند بفشار افکار عمومی مردم ایران بی اعتنا بماند و در بست تسلیم فشار کنسرسیوم شود. دولت ایران مجبور است بمقاومت معینی در برابر کنسرسیوم دست بزند.

(۴) دولت ایران بویژه برای تأمین بودجه برنامه چهارم دچار کمبود درآمد است. منبع اصلی بودجه برنامه چهارم درآمد نفت است. اگر در آمد نفت افزایش نیابد و در نتیجه بودجه برنامه چهارم تأمین نگردد دولت ایران با مشکلات بزرگی از نظر مالی و اقتصادی روبرو خواهد شد. دولت ایران مجبور است برای افزایش در آمد نفت بهر شکل که میتواند دست و پا کند.

راه آینده

همه این عوامل تأیید کننده این واقعیت است که هم کنسرسیوم مجبور بعقب نشینی است، هم دولت ایران مجبور بمقاومت است و هم امکان برای وادار کردن کنسرسیوم بعقب نشینی و افزایش مقاومت دولت ایران در برابر کنسرسیوم بیشتر شده است. و روشن است که در آینده این امکان باز هم بیشتر خواهد شد، فقط باید بهترین شکل از آن استفاده کرد.

ما در مقاله شماره گذشته «مردم» متذکر شدیم که مردم ایران از هر گونه اقدام جدی در مسئله نفت پشتیبانی میکنند و هر گونه سازش و تهدید تو خالی را افشا و محکوم مینمایند. بر همین اساس است که بنظر ما نتایج مذاکرات اخیر ایران و کنسرسیوم در مقایسه با نتایج مذاکرات گذشته گامی است

بجلو. در همانحال بنظر ما این قبیل نتایج بهیچوجه منافع اساسی مردم ایران و حق حاکمیت ایران را بر منابع نفت تحت تسلط کنسرسیوم تأمین نمیکند. مردم ایران همچنان برای اجرای قانون ملی شدن صنایع نفت مبارزه میکنند، چون این مبارزه را تنها راه حل اساسی و عادلانه برای استفاده از این بزرگترین ثروت ملی خود میدانند.

از اینک بگذریم حتی در چارچوب روشی هم که دولت ایران در پیش گرفته هنوز راه زیادی را باید طی کرد تا بتوان لاقابل بطور نسبی حیطه تسلط کنسرسیوم را محدود و منافع اساسی ایران را تأمین کرد. ما در گذشته بارها متذکر شده ایم که شرکت موثر ایران در تعیین بهای انواع نفت، محدود کردن منطقه فعالیت کنسرسیوم، بدست آوردن تمام و کمال بهره مالکانه، حق فروش مستقل سهم نفت ایران، افزایش قابل

کارگران و مبارزات سندیکائی

کار موصوب سال ۱۳۳۷ کارگاههای را که دارای کمتر از ۱۰ نفر کارگر بودند از شمول بسیاری از مواد قانون کار و از جمله حق تشکیل سندیکا تا کنون محروم میداشت. از ویژگیهای عمده دوران پس از کودتا، دخالت دولت در تشکیل احزاب، سندیکاها و سایر سازمانهای صنفی است. حزب ما به پیروی از این اصل لنینی که: «باید آنجا کار کرد که توده ها هستند» پیوسته از کارگران دعوت نموده که در شرایط فقدان سندیکا های واقعی کارگری، از همین سندیکا های موجود - صرفنظر از آنکه رهبری آنها در دست چه کسانی است - برای تحقق خواستههای صنفی خود استفاده نمایند و هر کجا هم که سندیکای دولتی وجود ندارد، برای تشکیل سندیکای واقعی کارگری اقدام کنند. ولی گروههای چپ در تمام این سالها تبلیغ کرده اند که چون سندیکا های موجود در دست عوامل ارتجاع است، فعالیت در درون آنها امری است عبث و بیفایده و باین ترتیب خواسته اند کارگران را از فعالیت در سندیکا های دولتی بر حذر دارند. اما روشن است که این استدلال فاقد هر گونه پایه منطقی است. زیرا علاوه بر آنکه وظیفه کلیه مبارزان است که در هر شرایطی از هر وسیله ای که تسمه های پیوند آنها را با توده ها تحکیم میکند استفاده کنند، هر گز نباید از نظر دور داشت که تغییر شرایط مبارزه، تغییر تاکتیک مبارزه را ایجاد میکند. در شرایط پیروزی ارتجاع و ضعف جنبش که اهرمهای سابق مبارزه، کارآئی خود را از دست میدهند، وظیفه مبارزان آنست که از اهرمهای تازه ای،

منطبق با شرایط نوین مبارزه استفاده کنند. اگر صحیح است که در شرایط فقدان کلیه آزادیهای دموکراتیک، وظیفه کارگران مبارز آن نیست که دست روی دست بگذارند و در انتظار اعتلاء نهضت و ایجاد سندیکاهای واقعی کارگری، مبارزه سندیکائی را متوقف سازند، پس منطقاً باید باین نتیجه رسید که همین سندیکاهای علیرغم آنکه رهبری آن در دست عناصر ارتجاعی و یا مشكوك است، باید هوشمندانه مورد استفاده قرار گیرند و اشکال صحیح فعالیت سندیکائی در درون آنها بکار بسته شود. استفاده حداکثر از هر گونه امکان علنی برای پیشبرد مطالبات صنفی و سیاسی در شرایط اختناق، هنر مبارزان پیشرو است.

هم اکنون با تغییر آئین نامه برای صدها هزار کارگر زحمتکش کارگاههای کوچک، امکان شکل سندیکائی پدید آمده است. باید از این فرصت حداکثر استفاده را نمود و در درجه اول کارگران آگاه باید بکوشند سندیکاها بر اساس انتخابات آزاد تشکیل شوند و مبارزات صنفی کارگران بسط یابد.

اخیراً وزیر کار اعلام نمود که وزارت کار بمنظور بسط فعالیت بخش خصوصی در آئین نامه کارگری و کارفرمایی تجدید نظر نموده و آئین نامه های جدا گانه ای برای سندیکا های کارفرمایی و کارگری بتصویب شورای عالی کار رسانده است. چون متن آئین نامه های جدید انتشار نیافته، نمیتوان درباره کیفیت تغییرات وارده اظهار نظر نمود. ولی روزنامه کیهان در صدر خبر مربوط به تغییر آئین نامه تحت عنوان «کلیه کارگران میتوانند سندیکا تشکیل دهند» مینویسد: «کارگران کارگاههای صنعتی و همچنین کارگاههای جزء میتوانند سندیکا تشکیل دهند و با تشکیل سندیکا در مورد امضاء قرار داد دسته جمعی، دریافت اضافه دستمزد و سایر متفرعات مزد میتوانند با کارفرما وارد مذاکره شوند و بعلاوه کارگران که تا کنون بعلت غیر ثابت بودن محل کار نمیتوانستند سندیکا داشته باشند، صاحب سندیکا خواهند شد.»

وزیر کار صریحاً گفته است که تغییر در آئین نامه کارگری و کارفرمایی بمنظور بسط فعالیت بخش خصوصی انجام گرفته، این مطلب تردید باقی نیکندارد که موادی از آئیننامه در رابطه با سیاست کلی دولت که همکاری طبقاتی را میخواهد جانشین مبارزه طبقاتی کند بسود کارفرمایان تغییر یافته، ولی همین مطلب که کارگران کارگاههای کوچک و نیز کارگرانی که محل ثابت کار ندارند میتوانند سندیکا تشکیل دهند، امری است که مورد استفاده کارگران و بسط فعالیت سندیکائی میتواند باشد. زیرا تبصره ۱ ماده ۶ قانون

ملاحظه درآمد نفت ایران همراه با کم شدن سهم کنسرسیوم و نظائر آن ساده ترین و در عین حال مبرمترین خواستهائی است که میتوان و باید کنسرسیوم را بقبول آن وادار کرد. گذشته از این مگر دولت ایران مدعی نیست که با شرکتهای دیگر نفتی قرار داد هائی بر اساس ۲۵ - ۷۵ و حتی ۱۰ - ۹۰ در صد منقذ کرده؟ پس چرا در قرار داد کنسرسیوم لا اقل بر همین اساس تجدیدنظر نمیکند؟ مگر شاه کنسرسیوم را تهدید نکرده است که اگر به تقاضای ایران ترتیب اثر ندهد بر طبق قطعنامه های سازمان ملل متحد قوانین جدیدی برای محدود کردن فعالیت کنسرسیوم و تأمین منافع ایران وضع خواهد کرد؟ پس چرا عملی در این زمینه انجام نگرفته است؟ آیا خواستههای ایران همین بوده که در نتایج مذاکرات جدید منعکس است؟ این سئوالات همچنان بجای خود باقی است و بر اساس آن مبارزه مردم ایران هم برای وادار کردن کنسرسیوم بعقب نشینی و دولت ایران بمقاومت در برابر کنسرسیوم و هم برای اجرای قانون ملی شدن صنایع نفت و قطع تسلط انحصارات نفتی بر منابع نفت ایران ادامه خواهد یافت.

م. انوشه

اعتصاب غذای دانشجویان مبارز با پیروزی پایان یافت

پشتیبانی افکار عمومی جهان از خواست دانشجویان

در ماه گذشته دکتر هلدمن حقوقدان آلمان غربی از طرف سازمان بین المللی عفو مأموریت یافت کیه برای بررسی وضع زندانیان سیاسی به ایران مسافرت کند. دکتر هلدمن در این مأموریت یک دانشجوی ایرانی بنام حسین رضائی را بعنوان مترجم همراه برد. پس از ورود به ایران دکتر هلدمن وزارت اطلاعات مراجعه نمود و از آنان خواست تا او را در انجام مأموریتش راهنمایی و کمک کنند. اما در روز سوم ورود او به ایران دو نفر مأمور سازمان امنیت سراغ وی آمدند و باو اخطار کردند که باید بلافاصله ایران را ترک گوید. در فرودگاه مهرآباد نیز مأموران بدون توجه به مصونیت نماینده یک سازمان جهانی چمدان اسناد و اوراق او را توقیف نمودند و اعتراضات وی را ناشنیده گرفتند. ضمناً همراه وی حسین رضائی را نیز مأموران سازمان امنیت در خیابان ربودند. جریان ربوده شدن دانشجوی ایرانی وعدم اطلاع از سرنوشت وی موجب شد که دانشجویان ایرانی مقیم شهر ماینتز از روز ۲ دسامبر دست باعتصاب غذا زدند. تقاضای دانشجویان این بود که برای اطلاع از وضع دانشجوی ربوده شده هیئتی به ایران اعزام گردد. نمایندگان دانشجویان ایرانی از شهرهای مختلف به دانشجویان اعتصابی شهر ماینتز پیوستند و تعداد اعتصاب کنندگان غذا به ۱۶۰ نفر رسید، در شهرهای دیگر اروپا نیز دانشجویان به علامت همبستگی دست با اقداماتی زدند. از جمله ۳۸ نفر از دانشجویان بی از شهرهای گراتس-لئون-وین بسفارت ایران در وین مراجعه نمودند تا اعتراض و خواست خود را مطرح سازند. مقامات سفارت بزور پلیس وین دانشجویان را از سفارت بیرون کردند عده‌ای از آنان مجروح شدند و پلیس تمام دانشجویان را توقیف کرد. از اینجهت دانشجویان ایرانی در وین اعتصاب غذا نمودند. ضمناً نمایندگان فدراسیون دانشجویان ایرانی در اتریش به روزنامه‌ها و محافل مختلف دولتی واجتماعی اتریش مراجعه کردند و خواستار آزادی توقیف شدگان شدند. سرانجام پلیس مجبور شد کلبه دانشجویان بازداشت شده را آزاد کند.

از روز ۱۰ دسامبر ۳۰ نفر از دانشجویان ایرانی مقیم لندن و بیش از ۴۵ نفر از دانشجویان ایرانی مقیم پاریس و عده‌ای از دانشجویان ایرانی مقیم استکهلم به نشانه همدردی دست باعتصاب غذا زدند. در آمریکا دانشجویان ایرانی به کنسولگریهای ایران مراجعه کردند. در ایتالیا نمایندگان سازمان های دانشجویان ایرانی به احزاب دموکراتیک و نمایندگان آنان در پارلمان و سنا رجوع نمودند. تظاهرات دانشجویان همه جا تحت رهبری کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی ادامه یافت.

دانشجویان مبارز ایرانی از پشتیبانی محافل مترقی و دموکراتیک محل اقامت خود برخوردار بودند. «مدیر روزنامه فرانکفورتر روند شاو» به لندن رفت تا در باره ضرورت مسافرت ناظرانی از انگلستان، ایتالیا و آلمان غربی همراه با هیئتی که اعزام آن خواست دانشجویان ایرانی بود با سازمان بین المللی عفو مذاکره کند. رئیس و معاون اداره امور خارجی دانشگاه ماینتز و نیز اتحادیه دانشجویان آلمان غربی طی تلگرافی بدولت ایران پشتیبانی خود را از خواست دانشجویان ایرانی اعلام داشتند. شهردار شهر ماینتز بمحل اعتصاب غذا آمد و ضمن ابراز همدردی متن تلگرافی را که از جانب خود به هیئتی نخست وزیر ایران فرستاده بود به اطلاع اعتصاب کنندگان رساند. یکی از آهنگ سازان مشهور آلمان غربی همدردی خود را با دانشجویان اعتصابی اعلام نمود. در ماینتز میتنگی با حضور بیش از ۴۰۰ نفر از دانشجویان آلمانی و ایرانی و همچنین دکتر هلدمن و عده‌ای دیگر از شخصیتها تشکیل شد. ۱۵۰۰ نفر از دانشجویان ایرانی و اتریشی به پشتیبانی از دانشجویان که اعتصاب غذا کرده بودند تظاهرات نمودند. هیئتی از طرف آنان با نخست وزیر اتریش ملاقات کرد و نخست وزیر اتریش ضمن ابراز همدردی با دانشجویان ایرانی گفت که بعنوان رهبر حزب سوسیالیست اتریش از هر گونه اقدامی برای پشتیبانی از خواست دانشجویان ایرانی خود داری نخواهد کرد. دو نفر از نمایندگان سوسیالیست پارلمان اتریش بمحل اعتصاب دانشجویان ایرانی در وین آمدند و یکی از آنان طی سخنرانی خود برای اعتصاب کنندگان، شرحی در باره وجود ترور و اختناق و فقدان آزادیهای دموکراتیک در ایران بیان نمود. نماینده مجلس اتریش گفت که در پارلمان اتریش درباره ایران صحبت خواهد کرد.

احزاب دموکراتیک ایتالیا و نمایندگان آنان همبستگی خود را با اعتصاب کنندگان اعلام داشتند، نامه‌ها و تلگرافهای بسیاری از سازمانهای دانشجویان ایرانی و محافل دانشجویی و اجتماعی خارجی در همبستگی با اعتصابیون رسید.

در جریان اعتصاب بیش از ۶۰ نفر از اعتصابیون به بیمارستان اعزام شدند و ۶۰ نفر شریائی مداوا شدند. یک پزشک آلمانی داوطلبانه به مداوای اعتصاب کنندگان پرداخت.

پیروزی اعتصاب

مبارزه دانشجویان و فشار افکار عمومی در جهان سرانجام دولت ایران را مجبور کرد تا با اعزام هیئتی از جانب کمیسیون حقوق

سیمای رقت بار بهداشت

اندک، بیشتر در تهران و یکی دو شهر دیگر قرار گرفته است. طبق برآورد سازمان جهانی بهداشت برای هر هزار نفر حد اقل یک پزشک برای هر صد نفر حد اقل یک تختخواب برای هر ۵ هزار نفر حد اقل یک جراح و برای هر ۳ هزار نفر حد اقل یک دندان پزشک لازم است.

بر این اساس کشور ما در حال حاضر به بیش از ۲۰ هزار پزشک، بیش از ۲۵۰ هزار تختخواب، ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ بیمارستان مجهز، هزاران جراح، قایقه، دندان پزشک و دهها هزار متخصص دیگر پزشکی نیازمند است. و این در صورتی است که مراجعه به تمام پزشکان موجود و کلبه بیمارستانها و درمانگاهها اعم از شخصی و دولتی برای همه امکان پذیر باشد.

از این گذشته، توزیع امکانات درمانی در نقاط مختلف کشور نامتداول است. بعنوان نمونه در حالیکه یک سوم پزشکان در تهران کار میکنند، منطقه ای مانند سیستان و بلوچستان با نزدیک به ۵ میلیون جمعیت ۴۷ پزشک، ۳ جراح و ۱۱ دندان پزشک دارد.

در آغاز برنامه چهارم رئیس دولت در کنفرانس منطقه‌ای مدیران شرقی سازمان جهانی بهداشت اعلام کرد: در ۵ سال آینده دولت مبلغی در حدود ۳۷۰ میلیون دلار در امور بهداشتی و درمانی کشور خرج خواهد کرد. برنامه چهارم رو با تمام است. وضع رقت بار بهداشت و درمان نشان میدهد دولت تا چه اندازه در زمینه تأمین نیازهای بهداشتی و درمانی مردم اقدام ورزیده است.

دولت ایران برای آنکه شانه خود را از زیر بار مسئولیت تأمین بهداشت مردم خالی کند در سال ۱۳۴۳ قانون باصلاح «واگذاری امور بهداشتی مردم» را از تصویب مجلس گذراند. پس از چندین طرح دادن وام به پزشکان را برای ایجاد «مراکز درمانی خصوصی» تصویب کرد. هدف این بود تا بهداشت نیز مانند آموزش با گذشت زمان بطور کامل در بخش خصوصی متمرکز شود. این کار اینک انجام شده است بطوری که تعداد بیمارستانها و درمانگاههای خصوصی سه تا چهار برابر بیمارستانها و درمانگاههای دولتی است.

وضع بیمارستانهای دولتی آنچنان رقت بار است که کمتر کسی مگر از روی احتیاج حاضر میشود در این مؤسسات، که مردم قصابخانه اش مینامند بستری شود. بیمارستانها و درمانگاههای خصوصی نیز چون سازمانهای تجارتمندی تنها یک هدف را تعقیب میکنند - غارت مردم بهر شکل و بهر عنوان! کافی است فردی از یک خانواده بیمار شود و این بیماری مدتی دوام یابد تا آن خانواده از هستی ساقط شود. کمبود کادر پزشکی در ایران، گرانی و افزایش روز

نظری به شاخص هزینه زندگی در کشور نشان میدهد: هزینه‌های درمانی بعد از هزینه‌های مربوط به مواد غذایی و مسکن در چند سال اخیر بالاترین نسبت را داشته است. آمار بانک مرکزی ایران حاکیست: شاخص بهداشت و درمان از سال ۱۳۴۵ تا کنون به تنهایی بیش از ۹ درصد فزونی یافته است.

در بیان علل این گرانی میتوان از سه عامل مهم نام برد: کمبود پزشک، دارو و مراکز درمانی عدم توجه دولت به گسترش شبکه بهداشتی و درمانی کشور و میدان عمل آزاد بخش خصوصی که بتاراج هستی مردم تهنی دست پرداخته است.

خدمات پزشکی در کشور ما بی نهایت رقت انگیز است. بر اساس آمارهای که در دست است در تمام کشور در برابر هر ۶۷۲ نفر یک پزشک وجود دارد. برای هر صد هزار نفر یک درمانگاه، یک آزما - یشگاه و ۵ داروخانه داریم و این همه نشان دهنده قلت خدمات و تسهیلات درمانی در برابر انبوه جمعیت است.

آمارهای موجود نشان میدهد: از مجموع ۸۳۸۴ پزشک که در مراکز درمانی کشور خدمت میکنند بیش از دو هزار نفر آنها در واحدهای ارتش، ژاندارمری و شهرهای بکار مشغول اند و بقیه، یعنی تنها نزدیک به ۶ هزار نفر پزشک در مراکز دولتی و خصوصی به معالجه بیماران اشتغال دارند. تعداد تختخواب بیمارستانهای دولتی و خصوصی هنوز از ۳۵ هزار تجاوز نمیکند و این تعداد تختخواب

بشر در پاریس و انجمن بین المللی حقوقدانان دموکرات برای رسیدگی بوضع زندانیان سیاسی در ایران موافقت کند.

در نتیجه ساعت ۴ بعد از ظهر روز ۱۲ دسامبر اعتصاب دانشجویان شهر ماینتز ۵ و بعد از ظهر ۱۳ دسامبر اعتصاب غذای دانشجویان ایرانی در وین پایان پذیرفت. در شهر ماینتز در مراسم اعلام پایان اعتصاب مصاحبه مطبوعاتی تشکیل شد که در آن رئیس دانشگاه ماینتز، مدیر روزنامه فرانکفور-تر روند شاو، پزشک معالج دانشجویان اعتصابی و یک روحانی پرستان سخنرانی کردند و از خواست دانشجویان پشتیبانی نمودند. در وین جریان ختم اعتصاب بتفصیل از رادیو تلویزیون اتریش پخش شد.

ما موفقیت دانشجویان ایرانی را تبریک میگوئیم و به دولت ایران که ابتدائی ترین اصول آزادیهای دموکراتیک را نادیده گرفته، اعلامیه حقوق بشر و قانون اساسی ایران را به ورق پاره ای تبدیل نموده و به زور سرنیزه حکومت میکند نشندیداً معترضیم. ما از کلیه کسانی که مورد قانون شکنی و تعدی رژیم قرار میگیرند، صرف نظر از عقاید سیاسی شان، راه گذشته و روش آینده شان با تمام قوا دفاع میکنیم. دفاع ما دفاع از دموکراسی است.

چهل میلیارد ریال دیگر در چاه ویل تسلیحات

اخبار عادی بسنده کردند. علت آنهم روشن است با سر و صدا درباره وام تسلیحاتی ۴۰ میلیارد ریالی که بموجب لایحه «با بهره و شرایط متداول» دریافت می‌گردد و بدین طریق اصل و فرع آن با بهره «متداول» داخلی یا مؤسسات مالی کشور های امپریالیستی (این بهره معمولاً ۶ تا ۷ درصد است) تا پایان پرداخت تدریجی اقساط آن به رقم سرسام آور ۵۰-۶۰ میلیارد ریال بالغ می‌گردد، طبعاً خشم شدید مردم را بر میانگیزد و به همین جهت باید به سکوت بر گزار شود.

در آمد نفتی ایران پس از «تهدیدات» و مذاکرات و چانه زدن های طولانی با کنسرسیوم سر انجام سالانه در حدود صد میلیون دلار که هم ارز ۷۵۰ میلیارد ریال است بالا می‌رود ولی دولت هم اکنون اضافه درآمد بیش از ۵ سال آنرا یکجا و پیشکی به چاه ویل تسلیحات می‌ریزد. بدینسان انحصارات امپریالیستی با یکدست سالانه ۱۰۰ میلیون دلار از محل میاورد هائی که با غارت ثروت نفت ایران به چنگ می‌آورند بدولت ایران «گذشت» میکنند و با دست دیگر چند برابر آنرا از راه فروش اسلحه و آهیم سلاح کهنه و ببرد نخور خود، یکجا پس می‌گیرند.

۴۰ میلیارد ریال وام تسلیحاتی جدید و با بهره آن ۵۰-۶۰ میلیارد ریال حتی صرف نظر از عواقب سیاسی وخیم آن نیز برای کشوری چون ایران با بنیه ضعیف مالی آن توان فرساست، بویژه اگر در نظر گیریم که این اولین و آخرین وام تسلیحاتی نیست و مجموع هزینه های نظامی سالانه ایران بدون این وام هم بسیار سنگین است. همین چند ماه پیش در ژوئن سال جاری بود که شاه در مصاحبه با خبر نگار مجله فرانسوی «اکسپرس» گفت: «در سال جاری ما مجبور شدیم ۷۰۰ میلیون دلار برای دفاع خرج کنیم!» ۷۰۰ میلیون دلار، ۵۲۵ میلیارد ریال و اینک ۴۰ میلیارد ریال دیگر یعنی جمعا ۹۲۵ میلیارد ریال هم ارز بیش از یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار تنها در یکسال برای خرید تسلیحات! این رقم را با رقم درآمد سالانه نفت ایران که بزحمت به یک میلیارد دلار میرسد مقایسه کنید. تمام درآمد یکسال نفت با اضافه مبلغی بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار که تقریباً برابر با درآمد ارزی ایران از محل صادرات آنست صرف تسلیحات یکسال شده است. تازه این تمام هزینه های نظامی ایران نیست؛ زیرا هزینه جاری نگاهداری ارتش ۲۰۰ هزار نفری را هم که کمتر از ۳۰۰ میلیون دلار نیست باید بآن افزود. این هزینه های توان فرسای غیر تولیدی را باید کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان ایران با پرداخت مالیات های سنگین جبران کنند!

طی سالهای اخیر هزینه های نظامی ایران بطور متوسط هر سال بیش از ۸۰۰

جنگی امروز حتی در مقیاس کنونی خاور میانه هیچگونه تناسبی دارد؛ صرف این میلیارد هاد دلار کجای نیروهای دفاعی کشور» را «تقویت» کرده است؟

ثانیاً سیاست میلیتاریزه کردن کشور و تشدید تسلیحات موجبات نگرانی روز افزون دولتهای کشور های منطقه خاور نزدیک و میانه را فراهم میسازد و مسابقه تسلیحاتی را در این منطقه بیش از پیش شدت میدهد و در کشاکش این مسابقه هزینه های تسلیحاتی ایران سال بسال بیشتر خواهد شد و در نتیجه آن موازنه ارزی کشور بیش از پیش بهم خواهد خورد و کسری موازنه ارزی را که در سال گذشته ۵۵۲ میلیون دلار بود باز هم زیادتر خواهد کرد.

تشدید تسلیحات و میلیتاریزه کردن کشور علاوه بر زیانهای فراوانی که برای اقتصاد کشور در بر دارد برای استقلال سیاسی و نظامی ایران نیز هیچگونه زمینه واقعی باقی نمیگذارد زیرا ایران را بیش از پیش به زرادخانه دول امپریالیستی و به استراتژی جهانی امپریالیسم وابسته میکند. از سوی دیگر مسابقه تسلیحاتی بر خلاف پندار های باطل عاملین آن، در جهان کنونی نه تنها عامل مؤثری برای «تقویت نیروهای دفاعی کشور» نیست بلکه بر عکس سبب تشدید روز افزون وخامت اوضاع خاور میانه، ایران را به ماجرا های جنگی بسیار خطرناک و هلاکتبار سوق میدهد و در آخرین تحلیل درست بر خلاف نتیجه گیریهای زمامداران کشور، ایران بجای آنکه از نظر دفاعی «بی نیاز» گردد «مبدل به عروسکی میشود که یا بدست حامیان خود میچرخد یا احياناً مورد معامله سیاسی قرار میگیرد» (از اظهارات شاه در مهر ماه سال ۱۳۴۹ در دانشکده فرماندهی و ستاد).

تشدید تسلیحات با چنین سرعتی که هیچگونه تناسبی با رشد اقتصادی ایران ندارد و با توجه به عواقب وخیم سیاسی آن، بکلی خلاف مصالح ملی مردم ایران است. کشور ما در احاطه کشور هائی قرار دارد که مناسبات آنها با ایران باعتراف خود زمامداران کشور دوستانه است. مرز های شمالی ایران بتصدیق آنان مرز های صلح و همکاری است. شاه در نطق های رسمی خود و نیز در مصاحبه با خبر نگار رادیو و تله ویز یون فرانسه در ۴ خرداد ۱۳۴۹ گفته است: «بهبود روابط ما با اتحاد شوروی... به مرحله ای رسیده است که ما اکنون سرحدات ایران و شوروی را مرز های صلح و دوستی و همکاری نام گذاری کرده ایم».

مناسبات ایران با کشور های ترکیه، افغانستان و پاکستان کاملاً حسنه است. تشدید روابط عادی با جمهوری متحده عرب هر گونه بهانه ای را برای تشدید ناهنجار مسابقه تسلیحات از بین برده است. برای عادی کردن روابط با عراق نیز در صورت حسن نیت شرایط مساعدی فراهم است و بهر تقدیر دولت عراق هرگز قصد لشکر کشی بایران را ندارد که دولت ایران با استناد آن بتواند سیاست تشدید روز افزون تسلیحات خود را توجیه کند.

پس این تب و تاب تسلیحاتی دولت ایران برای چیست؟ این سؤال يك جواب بیشتر ندارد: «تقویت نیرو های دفاعی کشور» نه برای دفاع از کشور بلکه برای مقاصد تجاوز کارانه در چارچوب نیازمندیهای پیمان ستو و قرار داد دو جانبه با امریکا، برای مقابله با جنبش های آزادیبخش ملی منطقه خاور میانه، برای حفظ پیوند با محافل امپریالیستی و بیک سخن در جهت استراتژی جهانی امپریالیسم انجام میگیرد. چنین روشی با «سیاست مستقل ملی» که چگونگی تناسب نیرو های جهانی زمینه کاملاً واقعی برای تحقق آن فراهم ساخته است، هیچگونه مطابقتی نمیتواند داشته باشد.

در شرایط زمانی و مکانی مشخص ایران تشدید تسلیحات و پیروی از نقشه های تجاوز کارانه امپریالیسم سیاستی است کهنه، مغایر با مصالح ملی مردم ایران و بر خلاف روح زمین در جهان معاصر ما. پیروی از چنین سیاستی برای گفته شاه مبنی بر اینکه «ما راه همزیستی و همکاری ثمر بخش با همه کشور های جهان را بر گزیده ایم» (از پیام شاه در مرداد ماه ۱۳۴۹) چه اعتباری باقی میگذارد؟ مصالح ملی مردم ایران اتخاذ سیاست خردمندانه بیطرفی و عدم تعهد را که شرایط جهانی از هر جهت برای آن مساعد است ایجاب میکند.

دولت ایران با گرفتن وام ۴۰ میلیارد ریالی جدید و با صرف مبالغ هنگفت دیگر برای تشدید تسلیحات باز دیگر به محافل صلح دوست جهان نشان میدهد که غایر غم دعاوی خود نه تنها به کاهش وخامت اوضاع در منطقه خاور نزدیک و میانه علاقه ای ندارد بلکه خود در جهت تشدید آن گام بر میدارد. مردم ایران سیاست نابخردانه دولت ایران را در زمینه میلیتاریزه کردن آن کار و تشدید مسابقه تسلیحاتی در خاور میانه بشدت محکوم میکنند.

پیکار

دنباله از صفحه ۳

سیمای رقت بار بهداشت

افزون خدمات پزشکی و درمانی، عدم توجه دولت و میدان یافتن هر چه بیشتر بخش خصوصی وضعی دردناک در کشور بوجود آورده است. این واقعات ادعای زمامداران دولت را مبنی بر اینکه گویا: «در شرایط تازه ای که در کشور بوجود آمده مردم از رفاه نسبی در تمام زمینه های اجتماعی برخوردار شده اند» تکذیب میکند. مردم کشور ما که رود روی حقیقت قرار گرفته اند منظره دیگری از ایران می بینند.

کشور ما امروز از لحاظ بهداشت و درمان در یکی از پائین ترین سطح های بین المللی قرار گرفته است. کمیت و کیفیت نازل آن سبب گردیده است امید عمر در کشور ما از ۳۵ سال تجاوز نکند.

افروزان

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی سازمان حزب در آذربایجان - فرقه دموکرات آذربایجان

داشتند. فعالیت علنی حزب ما و شورای متحده عملاً متوقف شده بود. کلوپهای حزب و شورا در همه جا غارت میشد، دولت از قبول انتخابات دوره پانزدهم امتناع میورزید. جبراً متنتس به «جنبه آزادی» توقف بودند، افسران آزادخواه مورد تعقیب، توقیف و تبعید قرار می گرفتند امیربالیستهای آمریکا و انگلیس از دولت ارتجاعی صدر - ارفع حمایت می کردند. وضع بدین نحو بود که یا بایست به نیروی متحد امیرالیسم و ارتجاع تسلیم شد یا بر میزان مقاومت افزود و دست به تعرض متقابل زد و از دموکراسی در قبال ارتجاع و دیکتاتوری مدافعه جدی نمود.

واقع پیروزی تاریخی خلق شوروی در جنگ دوم جهانی بر فاشیسم آلمان و میلتاریسم ژاپن تناسب نیروها را بسود سوسیالیسم، دموکراسی و رهائی ملی تغییر داده بود. نیروهای مترقی ایران نیز با استفاده از این شرایط مساعد میتوانستند بمنظور جلوگیری از احیاء استبداد و برای بسط دموکراسی، در داخل کشور نقطه اتکالی ایجاد کنند. در شرایط آنروز کشور ما آذربایجان که دارای سنن طولانی مبارزه در راه آزادی و استقلال ایران بود، برای آنکه چنین نقطه اتکالی باشد، مساعد بود. علاوه در آذربایجان هجوم ارتجاع با شدت انجام میگرفت و این ستم اجتماعی و طبقاتی با ستم ملی و سلب حقوق منی مردم آذر - بایجان همراه بود. هیئت حاکمه بکرات نشان داد که گوش شنوایی برای شنیدن مطالبات حقه مردم و از آنجمله مردم آذربایجان ندارد و درات نیست که خواستههای خلق را برآورده کند. مثلاً در پاسخ تلگرافهای شکوه آمیز مردم آذربایجان، صدراالاشرف نخست وزیر وقت در جلسه خصوصی مجلس گفت:

«نه باین تلگراف و نه صدها از این تلگرافها اهمیتی نمیدهم». روش دولت برای نهضت آذربایجان بمنابه جزئی از نهضت دمو - کراتیک سراسر ایران عواملی جز اجراء اعمال قدرت خلق باقی نگذاشت. در ۲۹ - ۳۰ آبان ۱۳۲۴ کنگره خلق آذربایجان تشکیل شد. در ۲۱ آذر ۱۳۲۴ مجلس ملی آذربایجان دولت ملی را تشکیل داد.

موفقیت های جنبش دموکراتیک و ضد امیربالیستی در آذربایجان تناسب قوا را در داخل کشور بطور آشکار بسود نیروهای مترقی تغییر داد و ارتجاع مجبور شد از تعرض دست کشیده و به عقب نشینی بپردازد؛ حزب توده ایران و شورای متحده و دیگر سازمان های مترقی مواضع خود را تحکیم کردند. اعتلاء نهضت دموکراتیک در سراسر کشور بمیزان بیسابقه ای رسید.

حکومت دموکراتیک آذربایجان در دوران کوتاه حیات خود دست با اقدامات مثبت

مهمی برای ایجاد تحولات اساسی در حیات مردم آذربایجان زد؛ حقوق ملی مردم آذر - بایجان تأمین شد، اصلاح ارضی صورت گرفت، صنایع بسط یافت، برای مبارزه با بیسوادی و بسط فرهنگ و آبادانی شهرها و ساختن جاده ها اقدامات مؤثر و دامنه داری انجام گردید؛ برای نخستین بار حق مساوی زنان با مردان تأمین گردید. تردیدی نیست که جنبش دموکراتیک خلق آذربایجان و حکومت ملی آن از اشتباهات نیز مصون نماندند ولی بطور اساسی نقش مثبتی برای بسط و تحکیم دموکراسی در کشور ما و دفاع از حقوق حقه مردم ایران و از آنجمله آذربایجان در قبال ارتجاع و امیرالیسم ایفاء کردند و همین نکته است که جا و خدمت تاریخی نهضت دموکراتیک آذربایجان را معین میکند.

متأسفانه در اثر تغییر وضع بین المللی و پیدایش مقدمات جنگ سرد و تشویق و پشتیبانی رسمی و جدی امیرالیسم آمریکا و انگلیس ارتجاع ایران امکان یافت دست به تعرض متقابل شدید بزند. اتحاد ارتجاعی دربار سران ارتش و دولت قوام که تمام تعهدات خود را زیر پا گذاشت با کمک امیرالیستهای آمریکا و انگلیس موفق شد نهضت دموکراتیک آذربایجان را با قسوت بینظیری در خون غرق سازد، این نخستین کشتار جمعی کارگران، دهقانان و روشنفکران انقلابی است که در دوران پس از جنگ دوم جهانی انجام گرفته است و لکه ننگینی است بر دامن هیئت حاکمه ایران و امیرالیسم مدافع آن. خاطره شهیدان و قهرمانان نهضت دموکراتیک آذربایجان در نزد همه خلقهای ایران عزیز و جاوید است.

حزب توده ایران از همان آغاز جنبش دموکراتیک آذربایجان مدافع و دوست صدیق آن بود. سازمان حزب توده ایران در آذربایجان هسته مرکزی سازمان فرقه دموکرات آذربایجان را ایجاد کرد و با صداقت در راه هدفهای جنبش دموکراتیک آذربایجان مبارزه نمود. افسران عضو حزب توده ایران که بعنوان کادرهای ورزیده نظامی به آذربایجان اعزام شده بودند در قیام مسلحانه آذربایجان و در فعالیت حکومت ملی و در مبارزه با باندهای مسلح ارتجاعی شرکت فعال داشتند. نمایندگان حزب توده ایران در مجلس چهاردهم شجاعانه، چه در جریان نهضت و چه پس از آن، از جنبش ۲۱ آذر دفاع کردند. پس از سرکوب جنبش آذر - بایجان حزب ما تنها سازمان حزبی بود که از آنجمله در دومین کنگره حزب بی پروا از خشم و غضب ارتجاع که نهضت آذربایجان را به انواع گناهان فجع متهم ساخت، از این نهضت مدافعه نمود. در دادگاههای در بسته نظامی اعضاء حزب ما پیوسته در موضع

کنفرانس جهانی استکهلم در باره هندوچین

سپس کنگره خواستههای ذیل را در مقابل حکومت امریکا قرار میدهد:

«بلافاصله تجاوز علیه مردم ویت نام، لائوس و کامبوج متوقف شود و حق تعیین سرنوشت این ملتها بدست خودشان مورد احترام قرار گیرد - پیش از پایان سوم ژوئن ۱۹۷۱ ارتش امریکا و اقامارش بدون قید و شرط و بطور کامل ویت نام جنوبی را ترک کنند - بمباران و سایر جنایات جنگی علیه این سه ملت متوقف شود - بحمايت از حکومت های (نیو، کی، خیم) و (لون نسل سوریک

ماتاک) پایان داده شود - این راهی است که به برقراری صلح در هند و چین منتهی میشود.

ما میخواهیم که حکومت ایالات متحده امریکای شمالی به پیشنهادات عادلانه و واقع بینانه مردم ویت نام، لائوس، و هند و چین جواب جدی بدهد، ما از تمام مردم جهان میطلبیم که اقدامات خود را در زمینه هبستگی و کمک ب مردم هند و چین تشدید کنند. شرکت کنندگان در این کنفرانس نگرانی عمیق خود را از تشدید جنگ با بمباران های شدید ویت نام شمالی در اعلامیه ای که قسمت اصلی آن ذیل نقل میشود ابراز داشتند:

« این اقدامات جنگی بطور جدی و روشن نقض حاکمیت و امنیت جمهوری دموکراتیک ویت نام و جزئی از نقشه های حکومت امریکا برای تشدید و توسعه تجاوز در هند و چین میباشد. این اقدامات را باید در ارتباط با جنایات دیگر در هند و چین مورد نظر قرار داد. این بمبارانهای ننگین در عین حال بهترین دلیل بر دروغ زنی و عوامفریبی باصطلاح «پیشنهادات صلح» نیکسون است که

میخواهد با بازی دو گانه خود مخالفان امریکائی و مردم جهان را با شتاباناندازد. اعلامیه کنفرانس کوشش امریکا را برای ادامه جنگ و حفظ حکومت دست نشانده ساپگون تحت عنوان «ویت نامی کردن جنگ» محکوم میکند و مسئولیت کامل حکومت نیکسون را در مورد نتایج حاصل از این سیاست و تأثیر آن در مندا کرات پاریس بیان مینماید. سپس کنفرانس خطاب ب مردم جهان میگوید: «کنفرانس با تمام نیرو از

دنهاله در صفحه ۷

دنهقانان و روشنفکران تربیت کرده است که باین هدفهای حزب ما صادق و برای فداکاری در راه آن آماده اند. ما اطمینان داریم که در مبارزه مشترک علیه امیرالیسم و ارتجاع و بمنظور نیل به استقلال، دموکراسی و ترقی پیوسته همگام خواهیم بود و نیروئی نیست که بتواند باین وحدت رزمجویانه خلل وارد سازد.

رفقای عزیز! ما بمناسبت سالگرد فرخنده بیست و پنجمین سال جنبش ۲۱ آذر فرصت را برای بیان بهترین احساسات برادری و هبستگی مساعده میسریم و با بانگ رسا میگوئیم: فرخنده باد سالگرد جنبش دموکراتیک آذربایجان!

کمیته مرکزی حزب توده ایران



نامه شاد باش

کمال پیموده است در پرتو فعالیت خستگی ناپذیر پنجماهه و فداکاری های عظیم در راه تأمین پیروزی آرمانهای پرولتاریا و توده های بزرگ زحمتکش فرانسه به حزب طراز نوین، به پیشاهنگ واقعی طبقه کارگر فرانسه و به منادی الهام بخش دموکراسی و سوسیالیسم در فرانسه بدل گردیده است.

حزب کمونیست فرانسه طی بمقرن مبارزه قهرمانانه در راه دفاع از منافع حیاتی طبقه کارگر و قشرهای وسیع مردم، دفاع از صلح و دموکراسی و در راه تأمین آینده سوسیالیستی فرانسه و آزادی خلقهای مستعمره بحق عنوان پرافتخار «وکیل مدافع خلق» را بدست آورده است.

مبارزات خستگی ناپذیر حزب شماعلیه اشغالگران هیتلری و علیه امپریالیسم جهانی، پشتیبانی فعال و مؤثر شما از جنبشهای آزادی بخش ملل، از یکبار قهرمانانه خلق ویتنام و از نبرد عادلانه ملل عرب علیه متجاوزان اسراییل و امپریالیستهای امریکائی حامی آنان، حزب کمونیست فرانسه را از احترام عمیق تمام ملل مستعبد و سراسر جامعه ترقیخواه بشری برخوردار کرده است.

حزب کمونیست فرانسه که مدافع پیگیر اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری است برای پرورش زحمتکش فرانسه با روح هواخواهی از مبارزه زحمتکش سراسر جهان، از جنبش آزادی بخش ملی و جنبش جهانی کارگری و کمونیستی، با روح همبستگی با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، با روح یزاری از امپریالیسم، استعمار و هر گونه ستمگری ملی، مساعی عظیم بکار برده است.

نقش مهمی که حزب شما برای تقویت وحدت و پیوستگی صفوف جنبش جهانی کمونیستی بر بنیاد اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و برای تحقق وحدت عمل احزاب کمونیست و کارگری در مبارزه ضد امپریالیستی بر اساس قرارهای مصوبه کنگره انس جهانی مسکو ایفا میکند اعتماد و احترام عمیق جنبش جهانی کارگری را نسبت به حزب کمونیست فرانسه بیش از پیش افزایش میدهد.

ایدئولوژی مشترک، وحدت نظر در مسائل اساسی جنبش جهانی کمونیستی و یاریگری و مبارزه در راه تأمین آرمانهای مشترک دموکراتیک و سوسیالیستی - دوحزب ما را از دیرباز بارشته های محکم یکدیگر پیوند میدهد.

حزب توده ایران که در شرایط دشوار مخفی علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه استقرار آزادیهای دموکراتیک مصرح در قانون اساسی، در راه ترقی و استقلال واقعی میهن ما مبارزه میکند برای همبستگی و پشتیبانی برادرانه حزب کمونیست فرانسه از مبارزه ما ارج خاص قائل است.

رفقای عزیز! در این سالروز فرخنده

متفکر، انقلابی و انسان بزرگ

او لینگ یکی از سوسیالیستهای انگلیس نیز در باره فریدریش انگلس مقاله جداگانه ای دارد و در آن مینویسد:

«کسانی هستند که انگلس را بمشابه مردی خود رأی و حتی مستبد و ایراد گیر گزنده توصیف میکنند. این مطلب بهچوجه من الوجوه درست نیست. هرگز انسانی نبود که در باره دیگران چنین ملایم قضاوت کند.

هرگز کسی آنقدر مانند انگلس آماده خدمت و یاری بدیگران نبود. دیگر لازم نیست که من از مهربانی بی حد و حصر او نسبت به جوانان سخن گویم. در این کشور گواهان این مطلب فراوانند. تنها میتوانم بگویم که خودم بکرات دیده ام که مگر بوند کار خود را کنار میگذاشت برای آنکه به جوانی خدمتی دوستانه بکند و گاه کار خود را بخاطر یک مبتدی نادیده میگرفت. ولی البته یک چیز هست و آن اینکه انگلس تقاب را هرگز

نمی بخشید. کسی که صداقت ندارد و از آنهم بالا تر نسبت به حزب خود وفادار نیست نمی توانست انتظار مرحمتی از انگلس داشته باشد. گناه ناخوشودنی انگلس همین است، «اؤگوست بیل سوسیالیست معروف آلمانی در جلد سوم کتاب خود موسوم به «زندگی من» چنین مینویسد: «انگلس از جهت انسان بسیار جذاب و پر محبت بود... او تا پایان زندگیش مردی سخت کوشا و پرکار بود و حتی پس از هفتاد سالگی زبان رومانی میاموخت و باعلاقه پرشوری حوادث را دنبال میکرد و پیوسته با نشاط و مهربان بود. حافظه ای شگفت انگیز داشت و حتی حوادث کوچک و وقایع خنده آور زندگی پر جنب و جوش را بخاطر داشت و آنها را در مجالس پر نشاط به بهترین شکلی عرضه میداشت و گفتگوی خود را با ذکر آنها نمکین میساخت.»

گئورگ ورت یکی از دوستان انگلس که در جوانی با وی معاشرت داشت در نامه ای که در تاریخ ۱۹ ژوئیه ۱۸۴۵ بمادرش در بروکسل نگاشته است، در باره وی چنین مینویسد: «دوست بسیار عزیزم دارم بنام فریدریش انگلس که از اهل «بارمن» است. او کتابی بسود کارگران انگلیسی نوشته و در این کتاب کاملاً بحق صاحبان کارخانه ها را بشدت کوبیده است. پدر خود انگلس در انگلستان و آلمان کارخانه هائی دارد ولی روابط او با خانواده اش سخت بهم خورده است. او را بی دین و ملعون میدانند و پدر متولش حتی یک پیشین بعنوان مستمری به پسرش نمی دهد. ولی در چشم من این پسر یک انسان نیکوی آسمانی است که دارای هوش و در کبی فوق العاده است و شب و روز با تلاش بی پایان برای خیر طبقات زحمتکش مبارزه میکند.»

تصور میکنیم این توصیف ها چهره جذاب و انسانی فریدریش انگلس را بخوبی

مارکس، «مارکسیسم» خوانده میشود حتی یک مسئله مهم نیست که در تنظیم و تحلیل آن انگلس سهمی بزرگ ادا نکرده باشد. مارکس و انگلس مؤسسان و رهبران «اتحاد کمونیستها» هستند که نخستین سازمان انقلابی طبقه کارگر در تاریخ است و بدینسان در سرچشمه جنبش بین المللی کمونیستی ایستاده اند.

اوج فعالیت عظیم مارکس و انگلس برای سازمان دادن نیروهای طبقه کارگر ایجاد نخستین «رفاقیه بین المللی کارگران» یعنی انترناسیونال اول در سال ۱۸۶۴ است. پس از درگذشت دوست خود، انگلس مشاور و اندرزگو، رهبر و رایزن جنبش کارگری جهانی بود و با دیدگان پر از امید میدید که وحدت بین المللی کارگران دمدم تحکیم مییابد و وثیقه واقعی پیروزی نهائی انقلاب سوسیالیستی بیش از پیش فراهم میآید.

در باره زندگی انگلس و فعالیت فکری و انقلابی او زیست نامه مفصلی در نهمین فارسی «مسائل بین المللی» (شماره ۵ سال ۱۳۴۹) نشر می یابد و لذا ما از تکرار آن مطالب بی نیازیم. در این مختصر بیشتر میخواهیم خواننده ارجمند «مردم» را باچهره انگلس بمشابه انسان نازنین بزرگوار از دیده دوستان و نزدیکانش آشنا سازیم.

پل لافارگک داماد مارکس و از دوستان نزدیک انگلس در خاطرات خود راجع بوی چنین مینویسد: «شخص نمیتواند در باره انگلس بیاندیشد، بی آنکه بلافاصله مارکس در مقابل نظر ظاهر شود و همچنین برعکس. زندگی آنها چنان بهم بافته شده است که باید گفت آنها گوئی یک زندگی واحدی را پدید آورده اند، با اینحال آنها هر کدام مهر و نشان ویژه خود را داشتند و بمشابه شخصیت از هم سخت متمایز بودند، نه تنها از جهت ظاهر، بلکه همچنین از جهت روحیات، صفات، شیوه تفکر و احساس... و بلهام لیکنشت (پدر کارل لیکنشت)

یکی از نزدیکترین دوستان مارکس و انگلس در باره انگلس در مقاله ای که ویژه وی نوشته است چنین مینویسد: «انگلس بیغیر و غیبگو نبود، وی دیدگانی روشن و تابناک داشت و مردی روشن بین بود عیناً مانند گوته که در نبرد والی با دیدگان روشن و تابناک خود آنچه را که سیاستمداران تاریک بین تا حد خنده آور نمیدیدند، دید یعنی دید که چرخش جهان آغاز میشود.»

النور مارکس دختر مارکس (و همسر کامیابهای هر چه بیشتر شما را در مبارزه برای تحقق آرمانهای انقلابی، در راه صلح، دموکراسی پیشرو، ترقی و سوسیالیسم صمیمانه آرزومندیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
ایرج اسکندری

بماینویسید

چندی پیش عده ای از بازاربان را که علیه سرمایه گذارهای کلان امریکائیها اعلامیه دادند گرفتند. یکی از آنان بنام شریف خراسانی را بقدری شکنجه دادند که دو چشمش نابینا اعصابش فلج و مشرف به مرگ است. در اینحال او را از زندان بیرون کرده تحویل یکی از خویشانش در تهران دادند مبادا در زندان بمیرد و برایشان سر و صدا ایجاد کند. یکی از آنان بنام اسدالله لاجوردی را نیز خیلی شکنجه کرده اند که چشمش نابینا شده مغزش عیب دیده است و اکنون در زندان بسر میبرد. ده ها زندانی سیاسی دیگر به چنین سرنوشتهائی دچارند آقای دکتر شبلی را به اتهام تماس با سران و فعالان نهضت آزادی ایران می - خواهند به پانزده سال حبس محکوم کنند. به همین اتهام عضویت، شش سال در زندان بود و اکنون نیز بهمان اتهام واهی اقدام علیه امنیت مملکت محاکمه میشود، در کفرخواستی که دادستان نظامی علیه او تهیه کرده از جمله گفته شده است: «در تاریخ ۲۲ و ۲۳ ۴۹ که سعیدی نامی (آیت الله سعیدی) در زندان فوت میکند نامبرده به منزل متوفی رفته و مردمی را که جهت سوگواری در آنجا اجتماع نموده اند تحریک کرده و به اتفاق جمعیت مزبور به مسجد سعیدی رفته و در آنجا با ایراد سخنانی نامبردگان را علیه حکومت و دستگاههای امنیتی تحریک و تهییج مینماید که بهمین علت در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۴۹ دستگیر و با صدور قرار بازداشت از تاریخ ۲۳ اردیبهشت زندانی میگردد و ضمناً در بازرسی از منزل نامبرده مقدار زیادی اوراق و جزوات مضره بدست آمد که ضمیمه پرونده میباشد در تحقیق هائی که در مراحل بازجویی معمول گردیده ضمن اعتراف بعضویت در جمعیت یاد شده و ارتباط با سران و فعالین حزب مزبور به رویه و افکار سابق خود باقی میباشد لذا باز پرس مربوطه با توجه به اقرارهای وی و نظریه سازمان امنیت کشور قرار مجرمیت وی را صادر نموده است.

چنین عملی را که در عداد قوانین عادی و قانونی هر فرد ایرانی است و دادستان نظامی می به استناد اظهار نظر سازمان امنیت قیام و اقدام علیه امنیت کشور تلقی میکند نمونه ای از آن دموکراسی است که زمامداران کنونی دولت بجای آزادیهای مقرر در قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر بمردم ایران تحمیل میکنند.

نشان دهد. آری، این بزرگترین خوشبختی انسان است که هم بتواند متفکری بزرگ باشد، هم مجاهدی سخت کوش و هم انسانی نازنین.

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی

است بوسیله دستیاران خود بموقع اجرا در آورد ولی در واقع مصاحبه مزبور صحنه سازی تازه است که سازمان امنیت بمذکب سلسله جعلیات بهم بافته کوشیده است یکبار دیگر حزب توده ایران و رهبری آنرا آماج تهمت و افترا قرار دهد تا مگر از اینراه به حیثیت و اعتبار حزب ما در میان توده های مردم ایران لطمه وارد کند .

با اینکه تا کنون مکرراً دبیرخانه کمیته مرکزی وجود هر گونه ارتباط آشکار یا پنهانی بین حزب توده ایران و تیمور بختیار را صریحاً رسماً تکذیب نموده است معذالک بمناسبت این کارزار تبلیغاتی و صحنه سازی جدید لازم میشود یکبار دیگر رسماً و صریحاً مراتب ذیل را اعلام دارد :

۱ - در هیچ زمان و هیچ مورد کمیته مرکزی حزب توده ایران با تیمور بختیار ارتباط برقرار نکرده و هیچک از اعضای رهبری حزب با وی ملاقات نموده است .

۲ - کمیته مرکزی حزب توده ایران هر گونه همکاری با تیمور بختیار را مردود دانسته و همواره این عمل را برخلاف اصول سیاسی و خط مشی حزب تلقی نموده است .

۳ - کمیته مرکزی حزب توده ایران هیچگاه به هیچک از اعضای حزب اجازه ملاقات، برخورد، همکاری یا توافق با تیمور بختیار را نداده است .

۴ - کمیته مرکزی حزب توده ایران همواره هر گونه اداءات ماجراجویانه را بر خلاف اصول خط مشی و سیاست حزب تلقی نموده است و با آگاهی قبلی از این توطئه بموقع خود با کلیه وسائل تبلیغاتی و از طرق سازمان خویش مکرراً مسئولین و افراد حزب را از افتدات در دام تحریکات سازمان امنیت و اقدامات چپ روانه و ماجراجویانه گروهها و افراد گوناگون بر حذر داشته است .

بنا بر مراتب فوق روشن است که صحنه سازی تازه سازمان امنیت و اسنادات معمولی که در مصاحبه ۲ دیماه علیه حزب ما و افراد آن عنوان شده بهیچوجه نمیتواند کوچکترین مسئولیتی برای حزب توده ایران درقبال این حوادث بوجود آورد .

سازمان امنیت باستناد اقدامات تحریک آمیزی که خود مرتکب شده و سخنگوی رسمی وی در مصاحبه ۲ دیماه رسماً به آن اعتراف کرده است ، برای آنکه اتهامات دروغین خود را نسبت بحزب توده ایران در برابر افکار عمومی توجیه نماید عدهای را نیز تحت عنوان اعضای شبکه حزب توده ایران بازداشت نموده است .

حزب توده ایران نسبت باین موج تضحیقی جدید شدیداً معترض است و برای آزادی افراد بیگناهی که در دام تحریکات و ماجرا سازی عمال سازمان امنیت افتاده اند با تمام نیروی مادی و معنوی خود خواهد کوشید .

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۳ دی ۱۳۴۹

در ماه گذشته ...

مترقی و دمکرات جهان نسبت بخلق قهرمان ویتنام ، لائوس و کامبوج و نبرد عادلانه آنها و نسبت بممل کشورهای عربی و مبارزان فلسطینی بطور برجسته ای نمودار شد .

نمایندگان از مردم و جوانان اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی بخاطر کمک بیسریغ آنها نسبت بمبارزان هند و چین و ملل عربی و مبارزان سراسر جهان قدردانی نمودند و شگفتگی بازم بیشتر اردوگاه صلح و سوسیالیسم را آرزو نمودند . مجمع همچنین از مردم و جوانان مترقی امریکا که برای خانمه جنک در ویتنام و آزادی و دمکراسی و علیه برتریهای نژادی مبارزه میکنند ، پشتیبانی نمودند و آزادی فوری انجلا دیویس را خواستار شدند .

هیئت نمایندگان جوانان توده ای ایران فعالانه در کار مجمع شرکت نمود و با معرفی اوضاع فعلی ایران ، با تشریح وضع مبارزان جوان که از هر گونه آزادی محروم اند و با فقر و بیکاری و مشکل تحصیل و آینده مبهم روبرو هستند ، همبستگی جوانان جهان را نسبت بمبارزان ایران و بخصوص زندانیان جوان جلب کردند .

نمایندگان جوانان توده ای در سخنرانی های خود پشتیبانی جوانان و مردم مترقی مین ما را از قهرمانان ویتنام و مبارزان عرب و جنبش رهائی بخش فلسطین ابراز داشتند و اعلام نمودند که با وجود اختلاف شدید جوانان زحمتکش و دانشجو جوان مترقی ایران از هر فرصتی برای نشان دادن این پشتیبانی استفاده میکنند .

مجمع جهانی جوانان دمکرات پس از تنظیم و تصویب قطعنامه های سیاسی و تشکیلاتی و برنامه عمل سالهای آینده فراسیون و انتخاب ارگانهای رهبری خود در ۴ نوامبر (۱۳ آبان) بکار خود خاتمه داد .

کنفرانس جهانی استکهلم

افکار عمومی جهان خواستار است که در تمام کشورهای روی زمین به اقدامات توده ای وسیع و نیرومندی دست بزنند برای اینکه دورویی سیاسی حکومت امریکا را فاش کنند و به تجاوز امریکا در هند و چین پایان بخشند ما از مبارزه مردم امریکا و مجافل سیاسی امریکائی مخالف نیکسون پشتیبانی میکنیم . ما خواستار حد اعلای کمک در هر زمینه برای مردم ویت نام لائوس و کامبوج در مبارزه حق طلبانه و دلیرانه آنها تا بیروزی قطعی هستیم .

حزب توده ایران ضمن تأیید کامل اسناد کنفرانس جهانی استکهلم درباره هند و چین از مردم ضد استعمار ایران و از اعضای خود میطلبد که آنچه در قوه دارند بمبارزان ضد امپریالیست ویت نام ، لائوس و کامبوج کمک کنند و از مردم دلیر و استقلال طلب شبه جزیره هند و چین که با

کارگران و مبارزات سندیکائی

بسط مبارزات سندیکائی بویژه از آن جهت حائز اهمیت است که حتی قانون فعلی کار هم که نسبت بقانون سال ۱۳۲۵ گام هائی بعقب است ، اکثر مواد آن عملاً اجرا نشده . دولت مانع از آنست که سندیکاهای کارگری حتی بمقیاس کارخانه متحد شوند ، در حالیکه در متن قانون ، حق کارگران برای تشکیل سندیکا در مقیاس شهرستان ، حق تشکیل سندیکاهای در اتحادیه ها و تجمع اتحادیه ها در کنفدراسیون بصریح شناخته شده است . آئین نامه تعیین حد اقل دستمزد ، با توجه به شاخص هزینه زندگی هر گز تحقق نیابد یافته

و در حالیکه هزینه زندگی طی سالهای پس از کودتا بنحو سرسام آوری افزایش یافته ، سطح دستمزد کارگران افزایش اندکی داشته است . هشت ساعت کار روزانه در مورد صد ها هزار کارگر زحمتکش ، از جمله کارگران ساختمانی ، کارگران حمل و نقل ، کارگران قالبی باف و کارگران کارگاههای کوچک عمالی نشده ، بجهت های اجتماعی فقط در مورد معدودی از کارگران آنهم بطور ناقص بمرحله اجرا در آمده و اکثریت مطلق کارگران از استفاده از مزایای آن محروم اند .

یک روز تعطیل در هفته در مورد تعداد کثیری از کارگران و از جمله کارگران کارگاههای کوچک اجرا نمیشود . در کارخانه ها و مؤسسات صنعتی عدم رعایت حفاظت فنی و بهداشت عمومی غالباً موجب مرگ کارگران میگردد . حد اقل سن رعایت نمیشود و استفاده از کار ارزان کودکان خردسال در بسیاری از رشته ها و از جمله در رشته قالببافی ، بلور سازی ، کتیرا پاک کنی ، ساختمان و غیره رواج وسیع دارد .

برای احیای رژیم به اجرای قانونی که خود تدوین کننده آنست مبارزه وسیع ، متحد و پیگیر سندیکائی ضرور است که در شرایط کنونی جز از طریق همین سندیکاهای موجود امکان پذیر نیست . علاوه بر آنکه کارگران باید با مبارزه مداوم ، دولت را وادار به شناختن حق اعتصاب که مؤثر ترین سلاح مبارزه آنهاست بشمایند . با تشکیل در سندیکاهای موجود ، یافتن شکل صحیح مبارزه و تجهیز و گردآوری کارگران بدور عام ترین شعار میتوان از یکسو عناصر ارتجاعی را در داخل سندیکاهای منفرد نمود ، و از سوی دیگر کارگران جوان را با رسم مبارزات سندیکائی در شرایط استبداد و فقدان سندیکاهای واقعی کارگری آشنا کرد . سرمایه داری در حال رشد ایران ، خواه ناخواه موجب قوت طبقه کارگر و تنوع مطالبات این طبقه رشد یافته خواهد شد و هیچ نیروی قادر نخواهد بود برای همیشه با اعمال فشار ، مانع بسط مبارزات کارگران و پیروزی آنان شود .

مینو

فداکاری و شهامت بسی نظیری بنا نیرومند ترین امپریالیسم جهان یعنی امپریالیسم ایالات متحده امریکای شمالی دشمن شماره یک خلق

«نشریات توده»

با تقاضای خوانندگان و با ابراز تشکر از ایشان که آمادگی خود را برای پرداخت بهای نشریات توده اعلام داشته اند ، بدنبوسیله بهای مهمترین نشریات توده به اطلاع همگان میرسد . ضمناً از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که نکات زیر را رعایت فرمایند :

- ۱) بهای نشریات را به حساب بانکی اعلام شده پردازند .
- ۲) خوانندگان مقیم خارج از کشور معادل ریالی بهای نشریات را ۴ بول کشور محل اقامت خود پردازند .
- ۳) خوانندگان گرامی بابت نشریاتی که تاکنون دریافت داشته اند هر قدر میتواند کمک کنند .
- ۴) رسید نشریات و مبلغ ارسالی را کتباً نیز بما اطلاع دهند .
- ۵) کتب زیر تمام شده است از تقاضای ارسال آن خود آری فرمایند :

نام نشریه	بها
ماهنامه مردم	۱۰ ریال
مجله دنیا	» ۴۰
مجله مسائل بین المللی	» ۲۰
مانیفست	» ۴۰
سرمایه جزوه ۱ و ۲ و ۳ - هر جزوه	» ۴۰
انقلاب اکبر و ایران	» ۸۰
برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی	» ۲۰
اصول فلسفه مارکسیسم	» ۲۰
یاد داشتهای فلسفی و اجتماعی	» ۴۰
هیجدهم برورم لوتی بناپارت	» ۴۰
خان و دیگران	» ۱۰
یادنامه شهیدان	» ۰
رژیم ترور و اختناق	» ۱۰
خیانت او بوطنش	» ۲۰
توده ایها در دادگاه نظامی	» ۲۰
الهیای مبارزه	» ۱۰
اسناد کنفرانس مسکو	» ۲۰
گواهی دوستان	—
زندگی و آموزش لنین	» ۵۰
منتخبات لنین - جلد اول قسمت دوم	» ۳۰۰
ما و کنفدراسیون	—
روزنامه آذر بايجان	» ۵
مجله آذر بايجان	» ۴۰
آخرین دفاع روزبه بزبان آذر بايجانی	» ۲۰
متن دفاع ارانی بزبان آذر بايجانی	» ۲۰
کتاب شهیدان بزبان آذر بايجانی	» ۴۰
در دو جلد - هر جلد	» ۴۰

های جهان و از جمله خلقهای مین ما ایران در نبرد مرگ و زندگی هستند ، باری رسانند و شکست سیاست تجاوز کار امریکا در هند و چین پیروزی بزرگی برای خلقهای جهان است که تأثیر بزرگی بنفس استقلال و دموکراسی در مین ما خواهد کرد .

پرافتخار باد خاطره شهیدان ۱۶ آذر

در ماه گذشته ...

شورای عمومی
فدراسیون سندیکائی جهانی

هشتمین جلسه شورای عمومی فدراسیون سندیکائی جهانی از ۱۳ تا ۱۶ اکتبر در مسکو تشکیل گردید. رفیق پیر ژنوس دیر کل فدراسیون سندیکائی جهانی گزارش فعالیت فدراسیون را در راه تقویت نهضت سندیکائی جهانی و راههای تازه ای را که برای پیوستگی و اتحاد زحمتکشان جهان باید پیمود بشورا داد. جلسه علاوه بر تصمیماتی که در باره کارهای سازمانی و امور داخلی فدراسیون گرفت قرار های مهمی دائر به پشتیبانی از مردم قهرمان ویتنام، از ملتهای شبه جزیره هندوچین که علیه تجاوز امریکا میجنگند، از مردم کشورهای عربی و فلسطین که در خاور میانه علیه تجاوز اسرائیل مبارزه میکنند، از ملل افریقا و امریکای لاتین که برای استقلال و آزادی و بهبود زندگی علیه امپریالیستها و برتری جوان نژادی در نبردند صادر کرد و دبیرخانه فدراسیون را مأمور نمود که یک کنفرانس همبستگی سندیکائی جهانی برای کمک و پشتیبانی از مردم فلسطین تشکیل دهد. نماینده ایران در این جلسه وضع زحمتکشان ایران را که با وجود حکومت دیکتاتوری و اختناق کامل مبارزه خود برای بهبود زندگی، آزادیهای سندیکائی، بیمه های اجتماعی، دموکراسی و علیه استثمار بی بند و بار سرمایه های امپریالیستی ادامه میدهند، تشریح کرد و پشتیبانی زحمتکشان ایران از مردم ویتنام، شبه جزیره هندوچین، کشورهای عربی خاور میانه، مردم فلسطین، جمهوری دموکراتیک کره شمالی و تمام نیروهای ضد امپریالیستی اعلام داشت. نماینده ایران علاوه بر روابط حسن همجواری ایران با کشور اتحاد شوروی و تأیید هر اقدامی که به بسط روابط اقتصادی، تجاری و فنی بین دو کشور بعمل آید، با اطلاع شورا رساند.

شورای فدراسیون

دموکراتیک بین المللی زنان

از پنجم تا دوازدهم اکتبر شورای فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان در بوداپست تشکیل گردید. در این جلسه ۷۴ سازمان از ۷۳ کشور شرکت کردند. بررسی گزارش دبیر کل فدراسیون در باره فعالیت بیست و پنجساله آن نشان داد که این سازمان دموکراتیک توانسته است زنان کشورهای مختلف را بدون هیچگونه تبعیض نژادی، مذهبی و ملی و عقاید سیاسی در مبارزه برای احقاق حقوق خود، برای پاسداری از صلح، برای حمایت کودکان، برای دموکراسی و استقلال ملی در صف

واحدی متحد کند و راههای تازه ای را برای پیروزی آنان در مبارزات خود نشان دهد. از روی گزارشهایی که داده شد معلوم گردید که پیروزیهای زنان جهان در مبارزات خود طی ۲۵ سال پس از جنگ کم نیست ولی تا پیروزی نهائی هنوز راه درازی در پیش است. هیئت نمایندگی ایران نیز گزارش جامعی از وضع زنان و کودکان ایران و محرومیت های آنان و همچنین از موفقتهای نسبی که در نتیجه مبارزات طولانی بصورت بعضی قوانین بدست آمده بشورا داد. شورا با توافق آراء پشتیبانی خود را بنام میلیونها نفر اعضای خود از مردم قهرمان ویتنام و شبه جزیره هندوچین، از تقاضای حق اعراب در برابر تجاوز صهیونیست های اسرائیل به پشتیبانی امپریالیسم امریکا، اعلام داشت و طی پیامی تقاضای کمک بزنان و کودکان عرب که قربانی تجاوز اسرائیل شده اند نمود و لزوم حل بحران خاور میانه را بر اساس قرار شورای امنیت از طریق سیاسی تأیید کرد و ضمن قطعنامه ای اهمیت امنیت اروپائی و همکاری ملتها را در این قاره برای حفظ صلح جهانی مورد توجه خاص قرارداد و برنامه کار خود را در آینده تنظیم نمود. در پایان کار جلسه ای بمناسبت بیست و پنجمین سال تأسیس فدراسیون ترتیب داده شد که زنان برجسته ای مانند والتینا برشکوا و ماری کلودویان کورتویه در آن شرکت داشتند در این جلسه بسازمانهایی که طی این ۲۵ سال در پیشرفت مبارزه زنان کمک کرده اند از جمله به ایران مدال اوژنی کوتون اهداء گردید.

مجمع جهانی جوانان دموکرات

هشتمین مجمع فدراسیون جهانی جوانان دموکرات در تاریخ ۲۶ اکتبر (۴ آبان) در بوداپست تشکیل شد. بیش از ۴۰۰ نفر نمایندگان از ۲۰۳ سازمان جوانان ۹۵ کشور در این جلسه حضور داشتند. نمایندگان ۱۵ سازمان جهانی از جمله نمایندگان یونسکو و چندین سازمان کشوری از میهمانان جلسه بودند.

در نخستین روز، گزارش فعالیت فدراسیون از مجمع صوفیه (۱۹۶۶) تا کنون، تحلیلی از زندگی و مبارزه جوانان جهان مطرح شد. نمایندگان با دادن گزارش فعالیت سازمانهای خود، در بحث و انتقاد شرکت نمودند و برای گسترش بازم بیشتر اتحاد و مبارزه جوانان مترقی و دموکرات جهان علیه امپریالیستها، علیه استبداد و ارتجاع و دفاع از صلح و ایجاد آینده بهتر برای جوانان سراسر جهان پیشنهاد های مشخصی ارائه دادند.

در جلسات مجمع و همچنین در مراسم مختلفی که با شرکت هزاران جوان مجاری تشکیل یافت، یکبار دیگر همبستگی جوانان

دنباله در صفحه ۷

متن پاسخ رئیس جمهور شیلی به پیام شادباش

کمیته مرکزی حزب توده ایران

آقای ایرج اسکندری!

مراتب سپاسگزاری عمیق خود را از پیام محبت آمیز و صمیمانه ای که از طرف حزب توده ایران بمناسبت انتخاب من بمقام ریاست جمهوری فرستاده اید تقدیم میدارم. سالوادور آلنده - رئیس جمهور شیلی

شاد باش به فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان

توسط دبیر کل فدراسیون

دوستان گرامی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت بیست و پنجمین سال تأسیس فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان بهترین آرزوهای خود را برای موفقیت شما ابراز میدارد. فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان در جریان بیست و پنجسال عمر خود توانست زنان دموکرات جهان را قطع نظر از ملیت، مذهب و رنگ پوست متحد کند و صفوف آنانرا در مبارزه برای بدست آوردن حقوق اساسی زنان، صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سعادت کودکان تحکیم نماید. فدراسیون بحق میتواند بخود بالاد که اکنون ۱۰۷ سازمان زنان از ۹۵ کشور عضو آن هستند. فدراسیون مقام مهمی را در مبارزه ضد امپریالیستی ملت ها احراز کرده و هر روز نقش برجسته تری در این مبارزه ایفا میکند. فدراسیون در کنار مردم ویتنام و ملل هندوچین که دلیرانه علیه امپریالیسم امریکا

مبارزه میکنند قرار دارد، از مبارزه حق طلبانه ملل کشورهای غربی علیه تجاوز اسرائیل حمایت مینماید و از هر مبارزهای که علیه امپریالیسم، فاشیسم و برتری نژادی متوجه باشد پشتیبانی میکند. فدراسیون همواره در کنار زنان ایران که زیر فشار حکومت ضد دموکراتیک ایران و قوانین ظالمانه هستند، قرار داشته و قرار دارد. زنان ایران همواره از پشتیبانی فدراسیون برخوردار بوده اند. حزب ما بکارزار شما برای نجات جان انجلا دیویس مبارزه راه آزادی باتحسین مینگرد و از آن پشتیبانی مینماید.

دوستان گرامی! شما موفقتهای بزرگی در کار خود بدست آورده اید. ما باز هم موفقیت های بیشتری را برای شما آرزو کرده و از صمیم قلب بشما درود میفرستیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

ایرج اسکندری

۱۳۳۷.۱۲.۲۳

شماره حساب بانکی بیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی شرح زیر تغییر یافته است:

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: 0 400 126 50
Dr. John Takman

هموطنان عزیز!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو بیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

قابل توجه خوانندگان گرامی

برای آنکه در دریافت نشریات توده هیچگونه وقفه ای رخ ندهد، از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که تغییر آدرس خود را بموقع اطلاع دهند.



برای نجات جان «انجلا»

دیویس - مبارز امریکائی - از

خطر مرگ صدای اعتراض

خود را بلند کنید!